

گروه راهبردی- مرتضی فاخری - در

عصر مدرن که تعاملات اقتصادی، امنیتی و زیست‌محیطی به‌شدت به پهنه‌های آبی وابسته‌اند، حکمرانی دریایی به‌عنوان سازوکار اصلی هدایت و تنظیم فعالیت‌های انسانی در دریاها، جایگاه بنیادین در شکل‌گیری نظم جهانی یافته است. این مفهوم، مجموعه‌ای از اصول حقوقی، نهادهای بین‌المللی، قواعد عملیاتی و ساختارهای سیاست‌گذاری را در بر می‌گیرد که هدف آن تضمین استفاده پایدار، امن و منصفانه از منابع دریایی است. از کشتیرانی و تجارت فرامرزی گرفته تا حفاظت از تنوع زیستی و مقابله با جرایم دریایی، حکمرانی مؤثر بر دریاها نقشی بی‌بدیل در توازن منافع کشورها و پایداری سیستم بین‌المللی ایفا می‌کند.

به گزارش اقتصاد سرآمد، مرتضی فاخری، پژوهشگر ارشد علوم راهبردی در مطبی اختصاصی برای این روزنامه به بررسی جایگاه حکمرانی دریایی در عصر مدرن و تأثیرگذاری این موضوع در برقرار نظم جهانی پرداخته است. نگارنده در این مطلب ضمن تشریح تفاوت‌های حاکمیت، حکمرانی و مدیریت دریایی، ابزارهای حکمرانی مدرن را نیز مورد بررسی قرار داده است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

رشد چالش‌های جدید، از تغییرات اقلیمی و آلودگی دریایی گرفته تا رقابت ژئوپلیتیکی و گسترش فناوری‌های دریایی، سبب شده است حکمرانی دریایی به حوزه‌ای پویا، پیچیده و چندبعدی تبدیل شود. در این میان، نهادهایی چون سازمان بین‌المللی دریانوردی، کنوانسیون حقوق دریاها و دادگاه بین‌المللی حقوق دریا نقش‌های کلیدی در تعیین قواعد و حل و فصل اختلافات ایفا می‌کنند. از آنجا که پایداری نظم جهانی مستلزم تعامل سازنده در حوزه دریایی است، فهم حکمرانی دریایی به‌مثابه بستری برای تأمین منافع جمعی و مقابله با تهدیدهای مشترک، ضرورتی اساسی در مطالعات حقوقی و سیاست‌گذاری بین‌المللی محسوب می‌شود.

تفاوت میان حاکمیت، حکمرانی و مدیریت دریایی

برخلاف مدیریت صرف که بر اجرای عملیات تمرکز دارد، حکمرانی دریایی دربرگیرنده ساختارهای کلان‌تری چون تعیین قواعد حقوقی، سیاست‌گذاری کلان و نظارت چندبخشی است. اصولی چون شفافیت، پاسخگویی، پایداری زیست‌محیطی، مشارکت ذی‌نفعان و عدالت فضایی در قلب نظر به‌های حکمرانی دریایی قرار دارند. نظریه‌های کنشگر چندسطحی، شبکه‌ای و حکمرانی مشارکتی نیز چارچوب‌های مفهومی رایجی هستند که در تحلیل این حوزه به‌کار می‌روند.

تفاوت میان حاکمیت، حکمرانی و مدیریت دریایی در سطح عملکرد و نوع کنش نهفته است. حاکمیت دریایی بیانگر حق انحصاری کشورها بر قلمرو دریایی خود و اعمال قدرت قانونی در محدوده معین است که عمدتاً در چارچوب حقوق بین‌الملل تعریف می‌شود. حکمرانی دریایی اما به معنای فرایندهای تصمیم‌گیری و تعامل میان بازیگران مختلف اعم از دولتی و غیردولتی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی است. مدیریت دریایی پایین‌ترین سطح این سلسله‌مراتب است که شامل برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و ارزیابی فعالیت‌های عملیاتی در دریاها می‌شود. این تمایز مفهومی برای فهم نقش نهادها و تعیین مرزهای مسئولیت در حکمرانی مؤثر بسیار کلیدی است.

در سطح نهادهای مرجع، سازمان ملل متحد به‌عنوان چارچوب کلان سیاسی و حقوقی، جایگاه بالادستی در تعیین قواعد حکمرانی دارد. کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریاها به‌ویژه به‌عنوان سنگ‌بنای حقوقی حکمرانی دریایی شناخته می‌شود که حدود، اختیارات و مسئولیت‌های



کشورها را در مناطق دریایی مختلف مشخص کرده است. همچنین سازمان بین‌المللی دریانوردی نقش اجرایی و تخصصی مهمی در تدوین مقررات ایمنی کشتیرانی، کاهش آلودگی دریایی و تسهیل همکاری‌های بین‌المللی ایفا می‌کند. سایر نهادهایی چون دادگاه حقوق دریا، اتحادیه‌های منطقه‌ای و مجامع غیردولتی نیز به‌عنوان بخشی از معماری چندسطحی حکمرانی دریایی ایفا نقش می‌کنند.

تاریخچه تحولات حکمرانی دریایی

تاریخچه حکمرانی دریایی به‌عنوان بخشی از تحولات حقوق بین‌الملل و نظام‌های مدیریتی جهان، با گذر زمان پیچیده‌تر شده و دامنه گسترده‌تری یافته است. در دوران کلاسیک، اصل آزادی دریاها مبنای حقوقی غالب بود؛ مفهومی که کشورها را از اعمال انحصاری قدرت در دریاها منع می‌کرد. با رشد فعالیت‌های انسانی مانند تجارت بین‌المللی، ماهیگیری صنعتی و بهره‌برداری از منابع دریایی، نیاز به نظارت و هماهنگی افزایش یافت. همین نیازها به تدریج منجر به ایجاد نظام‌های نوین حکمرانی دریایی شد که در آن تعادل میان منافع ملی و حفظ منافع جمعی جهانی مورد توجه قرار گرفت.

کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها نقطه عطف اصلی در گذار به حکمرانی مدرن دریایی است. این سند جامع، نخستین چارچوب بین‌المللی است که حوزه‌های دریایی را تعریف و اختیارات دولت‌ها را به‌طور شفاف تعیین کرده است؛ از منطقه دریای سرزمینی گرفته تا منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره. UNCLOS همچنین مکانیسم‌هایی برای حل اختلافات از جمله دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها و نهادهای تخصصی نظیر سازمان بین‌المللی دریانوردی فراهم کرده که نقش حیاتی در تدوین مقررات، ایمنی ناوبری و حفاظت از محیط‌زیست دریایی دارند.

تحولات نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در دهه‌های اخیر نقش مکمل و تکمیل‌کننده UNCLOS را ایفا کرده‌اند. اتحادیه اروپا با ایجاد سیاست‌های مشترک دریایی، گروه‌های همکاری منطقه‌ای نظیر کمیسیون مناطق دریایی کارائیب یا سازمان منطقه‌ای حفاظت از دریای مدیترانه و سازوکارهایی چون مجامع مشورتی غیردولتی، ابعاد چندسطحی حکمرانی دریایی را گسترده‌تر کرده‌اند. این نهادها نه تنها استانداردهای منطقه‌ای را تدوین می‌کنند، بلکه در زمینه تسهیل همکاری میان دولت‌ها و اجرای عملی اصول حکمرانی خوب مشارکت دارند. بدین‌سان، حکمرانی دریایی امروز به‌مثابه شبکه‌ای پیچیده و هماهنگ از نهادهای جهانی، منطقه‌ای و محلی عمل می‌کند.

بازیگران کلیدی در حکمرانی دریایی عصر حاضر

در حکمرانی دریایی مصر حاضر، دولت‌ها همچنان نقش بنیادین در تعیین سیاست‌ها، تصویب قوانین و اجرای نظارت بر قلمروهای دریایی خود ایفا می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی دریانوردی و سازمان ملل متحد، قواعد و چارچوب‌های همکاری جهانی را تدوین می‌کنند و نقش هماهنگ‌کننده در رسیدگی به چالش‌های فراملی مانند آلودگی‌های دریایی، ایمنی

کشتیرانی و امنیت دریایی دارند. شرکت‌های کشتیرانی نیز به‌عنوان بازیگران اقتصادی کلیدی، نه تنها تأثیرگذار در سیاست‌های عملیاتی و تجاری هستند، بلکه از طریق لابی‌گری در نهادهای مختلف، می‌توانند مسیر قانون‌گذاری را نیز تحت تأثیر قرار دهند.

سازمان‌های غیردولتی (NGOها)، گروه‌های ذی‌نفع از جمله جوامع ساحلی و بومی، اتحادیه‌های صنفی دریایی و نهادهای مدنی نیز در فرایند حکمرانی مشارکت فعال دارند.

این گروه‌ها از طریق مکانیسم‌هایی چون مشاوره عمومی، مشارکت در تدوین مقررات و نظارت اجتماعی، مطالباتی چون عدالت فضایی، حفاظت محیط‌زیست، حقوق کارگران دریایی و شفافیت تصمیم‌گیری را پیگیری می‌کنند. حضور این گروه‌ها حکمرانی دریایی را از یک سازوکار دولت‌محور به سیستمی چندبازیری و مشارکتی تبدیل کرده و به ارتقای مشروعیت و کارایی تصمیم‌گیری‌های دریایی منجر شده است.

در نهایت، تکنولوژی و داده‌های بزرگ نقش فزاینده‌ای در شکل‌دهی به حکمرانی دریایی بازی می‌کنند. استفاده از سامانه‌های موقعیت‌یابی ماهواره‌ای، نقشه‌برداری دیجیتال کف دریا، سنسورهای زیست‌محیطی و تحلیل داده‌های دریانوردی امکان تصمیم‌گیری سریع، دقیق و مبتنی بر شواهد را فراهم کرده است. هوش مصنوعی، بلاک‌چین و رایانش ابری نیز در مسیرهای نوینی چون شفاف‌سازی زنجیره تأمین دریایی، پیش‌بینی ریسک‌ها و مقابله با جرایم دریایی در حال تحول نقش ایفا می‌کنند. این تحولات دیجیتال، نه تنها ابزارهایی برای بهبود مدیریت دریایی محسوب می‌شوند، بلکه سبک جدیدی از حکمرانی داده‌محور و آینده‌نگر را رقم زده‌اند.

چالش‌های نوظهور و پویایی‌های جدید

در حکمرانی دریایی عصر نوین، یکی از چالش‌های برجسته، مسائل زیست‌محیطی و حفظ تنوع زیستی دریایی است. بهره‌برداری بی‌رویه از منابع، آلودگی نفتی، ورود پسماندهای پلاستیکی و تخریب زیستگاه‌های دریایی باعث تهدید گونه‌های نادر و حساس دریایی شده‌اند. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی همچون IMO و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل برای تدوین پروتکل‌هایی در زمینه کاهش آلودگی، ممنوعیت شکار بی‌رویه و گسترش مناطق حفاظت‌شده دریایی تلاش می‌کنند. مشارکت جوامع محلی و NGOها نیز در پایش اکوسیستم‌ها و اجرای مقررات نقش حیاتی یافته‌اند.

امنیت دریایی نیز بسا تهدیدهایی فراملی از جمله دزدی دریایی، قاچاق انسان و کالا و تروریسم دریایی مواجه شده است که نیازمند واکنش هماهنگ و بین‌المللی است. عملیات‌های مشترک نیروی دریایی چند کشور، ایجاد مراکز اطلاعاتی منطقه‌ای و پایش مستمر مسیرهای کشتیرانی از جمله راهکارهای اجرایی‌اند. UNCLOS و نهادهایی مانند شورای امنیت سازمان ملل در تلاش‌اند تا استانداردهای مقابله با این تهدیدها را تقویت و دامنه همکاری‌های چندجانبه را گسترش دهند. این نسوع تهدیدها علاوه بر تأثیرات امنیتی، پیامدهای اقتصادی و انسانی قابل توجهی نیز دارند.

«سرآمد» بررسی کرد؛

حکمرانی دریایی در عصر مدرن

تفاوت میان حاکمیت، حکمرانی و مدیریت دریایی

در کنار این چالش‌ها، تغییرات اقلیمی و مهاجرت‌های اقلیمی از طریق دریا نیز پویایی جدیدی به حکمرانی دریایی افزوده‌اند. بالا آمدن سطح دریاها، اسیدی شدن آب‌ها و تغییر دمای اقیانوس‌ها باعث تهدید معیشت جوامع ساحلی و کاهش منابع دریایی شده‌اند. در نتیجه، مهاجرت‌های اقلیمی به‌ویژه از جزایر کوچک و مناطق کم‌ارتفاع ساحلی به دیگر کشورها افزایش یافته است و ابعاد جدیدی به حقوق بشر، امنیت مرزی و مدیریت منابع اضافه کرده است. رقابت بر سر منابع آبی از جمله ماهیگیری، انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی و معادن زیر آب نیز به منازعات نوظهور سیاسی و اقتصادی میان کشورها دامن زده است. مفهوم اقتصاد آبی اکنون نه تنها موتور رشد کشورهای ساحلی است، بلکه بستری برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی نیز به‌شمار می‌آید.

ابزارهای حکمرانی مدرن

در حکمرانی دریایی مدرن، چارچوب‌های حقوقی و قراردادی نقش زیربنایی در سامان‌دهی مناسبات کشورها و تنظیم تعاملات در پهنه آبی ایفا می‌کنند. قراردادهای بین‌المللی مانند کنوانسیون‌های IMO در زمینه ایمنی دریانوردی، پیشگیری از آلودگی و آموزش کارکنان دریایی از جمله ابزارهای مهمی هستند که استانداردهای مشترک را در سطح جهانی شکل داده‌اند. همچنین توافق‌های منطقه‌ای نظیر پروتکل‌های حفاظت از دریای مدیترانه، قوانین مشترک دریایی اتحادیه اروپا و تفاهم‌نامه‌های همکاری دریایی در آسیا و آفریقا ابعاد منطقه‌ای حکمرانی را تقویت کرده‌اند.

در سطح اجرایی، نظارتی و داوری، نهادهایی چون دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، کمیته‌های اجرایی IMO، و سازوکارهای میان‌دولتی برای حل اختلافات دریایی، ابزارهای مؤثری در تضمین رعایت مقررات و حل مناقشات محسوب می‌شوند. این سازوکارها با بهره‌گیری از مکانیسم‌های چون سازش، داوری و رسیدگی قضایی، شفافیت و قابلیت پیگیری تصمیم‌ها را افزایش داده‌اند. حضور نهادهای نظارتی مستقل و دبیرخانه‌های ارزیاب نیز امکان پایش و ارزیابی اجرای تعهدات کشورها را فراهم کرده و باعث افزایش مشروعیت و کارآمدی حکمرانی شده‌اند.

فناوری‌های نوین ابزاری تحول‌آفرین در حکمرانی دریایی محسوب می‌شوند. سامانه‌های رصد ماهواره‌ای، GIS، سیستم‌های موقعیت‌یابی خودکار و پلتفرم‌های داده‌محور اکنون امکان پایش لحظه‌ای ناوگان، بررسی وضعیت اکوسیستم‌ها و پیش‌بینی ریسک‌ها را فراهم کرده‌اند. استفاده از هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و بلاک‌چین در مدیریت داده‌ها، امنیت زنجیره تأمین دریایی و مقابله با جرایم سازمان‌یافته دریایی در حال گسترش است. این فناوری‌ها نه تنها نقش تسهیل‌کننده دارند، بلکه سبک جدیدی از حکمرانی دریایی براساس شواهد، شفافیت و تصمیم‌گیری چابک را معرفی کرده‌اند.

بررسی تطبیقی الگوهای حکمرانی دریایی

مطالعه تطبیقی الگوهای حکمرانی دریایی در اتحادیه اروپا، جنوب‌شرق آسیا و خاورمیانه نشان می‌دهد که هر منطقه با توجه به الزامات جغرافیایی، ظرفیت نهادی و اولویت‌های سیاسی خود، مسیر متفاوتی را در سامان‌دهی حکمرانی طی کرده است. اتحادیه اروپا با رویکردی مبتنی بر هماهنگی منطقه‌ای، موفق به توسعه سیاست‌های مشترک دریایی، تدوین استانداردهای زیست‌محیطی و ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده مانند آژانس ایمنی دریایی اروپا شده است

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی



در عصر مدرن که تعاملات اقتصادی، امنیتی و زیست‌محیطی به‌شدت به پهنه‌های آبی وابسته‌اند، حکمرانی دریایی به‌عنوان سازوکار اصلی هدایت و تنظیم فعالیت‌های انسانی در دریاها، جایگاه بنیادین در شکل‌گیری نظم جهانی یافته است. این مفهوم، مجموعه‌ای از اصول حقوقی، نهادهای بین‌المللی، قواعد عملیاتی و ساختارهای سیاست‌گذاری را در بر می‌گیرد که هدف آن تضمین استفاده پایدار، امن و منصفانه از منابع دریایی است. از کشتیرانی و تجارت فرامرزی گرفته تا حفاظت از تنوع زیستی و مقابله با جرایم دریایی، حکمرانی مؤثر بر دریاها نقشی بی‌بدیل در توازن منافع کشورها و پایداری سیستم بین‌المللی ایفا می‌کند.

به گزارش اقتصاد سرآمد، مرتضی فاخری، پژوهشگر ارشد علوم راهبردی در مطبی اختصاصی برای این روزنامه به بررسی جایگاه حکمرانی دریایی در عصر مدرن و تأثیرگذاری این موضوع در برقرار نظم جهانی پرداخته است. نگارنده در این مطلب ضمن تشریح تفاوت‌های حاکمیت، حکمرانی و مدیریت دریایی، ابزارهای حکمرانی مدرن را نیز مورد بررسی قرار داده است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

رشد چالش‌های جدید، از تغییرات اقلیمی و آلودگی دریایی گرفته تا رقابت ژئوپلیتیکی و گسترش فناوری‌های دریایی، سبب شده است حکمرانی دریایی به حوزه‌ای پویا، پیچیده و چندبعدی تبدیل شود. در این میان، نهادهایی چون سازمان بین‌المللی دریانوردی، کنوانسیون حقوق دریاها و دادگاه بین‌المللی حقوق دریا نقش‌های کلیدی در تعیین قواعد و حل و فصل اختلافات ایفا می‌کنند. از آنجا که پایداری نظم جهانی مستلزم تعامل سازنده در حوزه دریایی است، فهم حکمرانی دریایی به‌مثابه بستری برای تأمین منافع جمعی و مقابله با تهدیدهای مشترک، ضرورتی اساسی در مطالعات حقوقی و سیاست‌گذاری بین‌المللی محسوب می‌شود.

بدون شرح...



فریب‌آزیزی - اقتصاد سرآمد